



اساس سوسیالیسم انسان است،
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۳

Weekly publication of Worker - communism Unity faction of WPI

نشریه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

برای

یک دنیای بهتر

سردبیر: سیاوش دانشور E.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۸ ژانویه ۲۰۰۷ - ۲۷ دیماه ۱۳۸۵



به علی جوادی
در این لحظات سخت
و دردناک!
آذر ماجدی

به یاد زویای عزیزم!



علی عزیز، هنوز باورم نمیشود. از دیروز صبح که تلفن را برداشتم و صدای مه آلود تو در آن طرف گفتم: "زویا مرد!" هنوز در حالت یک شوک قرار دارم. دیدن عکس زویای عزیز و دلنشین با آن لبخند زیبا در کنار هر نوع مقاومتی را در قلبم ذوب کرد. این کابوسی است که به واقعیت بدل شده است. یادم است که پای تلفن فقط میگفتم متاسفم. بارها و بارها. ولی حتی اگر تا آخر دنیا نیز این عبارت را تکرار کنیم، بنظر میرسد که برای بیان احساس کفایت نمیکند. همه آگاهیم که مرگ روی دیگر زندگی است. میدانیم که نمیتوان از آن گریخت. ولی باز هر زمان که با آن مواجه میشویم، انگار برای اولین بار است که این پدیده هولناک را ملاقات میکنیم. پذیرش مرگ یک عزیز سخت و دردناک است. تجربه ای که انسان را به سفری طولانی و پر نشیب و فراز در قعر احساسات بعضا سیاه، بعضا تلخ و بعضا دردناک میبرد. زمان هایی هست که انسان تصور میکند که در قعر سیاهی برای همیشه مدفون خواهد شد و دیگر روزنه ای به روشنایی و امید و شادی پدیدار ← ۲

زویای عزیز و دوست داشتنی ام را در غروب دوشنبه ۱۵ ژانویه در اثر ازدیاد مصرف داروهایش از دست دادیم. ۲۴ سال بیشتر نداشت. دانشجوی دانشکده حقوق در دانشگاه UCLA بود.

مرگ اجتناب ناپذیر و تلخ است. مرگ عزیز تلخ تر. اما مرگ فرزند دردی جانکاه و پایان ناپذیر است. عشقم به او حد و حصر و قید و شرطی نداشت. جایش پر نشدنی است. اما دختر کوچکم به من قول داده است که هم برایم نژلا خواهد بود و هم زویا. شاید این تسلی ای بر این درد عمیق باشد. جایش همیشه در قلبم محفوظ است.

از تمام کسانی که در غم از دست دادنش با من سهیم شدند تک تک قدردانی میکنم.

علی جوادی

۱۶ ژانویه ۲۰۰۷



طرح سازماندهی حزب

منصور حکمت

مصوب پلنوم ۱۴ کمیته مرکزی (سپتامبر ۲۰۰۱)

مقدمات: هدف این طرح ارائه یک شکل مطلوب برای سازماندهی دراز مدت رهبری حزب کمونیست کارگری است که با مشخصات ویژه حزب ما خوانایی داشته باشد. تجربه دوره اخیر نشان داد که طرح مصوب پلنوم قبل که در آن اختیارات کمیته مرکزی میان دفتر سیاسی و لیدر حزب تقسیم میشد، در عین اینکه میتواند با فرض وجود ملزومات معینی طرح مناسبی برای یک رهبری موثر و قوی باشد، در غیاب این ملزومات بر شکنندگی حزب میافزاید. برای مثال تجمع منظم و زود بزود دفتر سیاسی و وجود یک سیستم اداری درونی قوام گرفته در آن شرط انجام وظیفه این ارگان بعنوان یک نهاد سیاست گذار و حسابرس در راس حزب است. در غیاب این تجمع و دخالتگری دفتر سیاسی، یک وجه اصلی طرح مصوب پلنوم قبل متحقق نمیشود. از سوی دیگر، انتخاب یک فرد بعنوان لیدر تا هنگامی روش کارسازی محسوب میشود که اولاً، کاندیداهای کافی و آماده ایفای این نقش وجود داشته باشند، و ثانیاً، فرد یا افراد کاندید این پست فی الحال از اتوریته سیاسی و معنوی تثبیت شده ای برای متحد نگاه داشتن کمیته مرکزی و کل ... ص ۲

علی جوادی عزیزم،

خبر بسیار وحشتناک و باور نکردنی است. قلبم گرفت، چه روز سیاهی! یکباره دنیا روی سرم خراب شد. زویای نازنین تو عزیز و نازنین همه ماست. مگر فرقی میکند؟ با تمام وجود درک میکنم که چه حالی داری، تو که همیشه با عشقی مفرط از دخترهایت حرف میزنی. حقیقت اینست که یک فاجعه رخ داده است و تو و خانواده ات و رفقاییت را با یک واقعیت تلخ و بشدت سنگین روبرو کرده است. اما باید مثل همیشه قوی باشی. اینجا نقش تو صد چندان و کلیدی است. درد تلخی را که تا مغز استخوان و روان و عواطف همه ما را در مینوردد عمیقاً درک میکنم. تو تنها نیستی. کاش همین لحظه در کنارت بودم و برای تقسیم این فشار سنگین تلاش میکردم.

علی عزیزم، در آغوشت میگیرم و صمیمانه و با تمام وجود به تو و خانواده ات و به خودم و همه رفقا و دوستانت تسلیت میگویم.

با اندوه و اشک،

سیاوش دانشور ۱۶ ژانویه ۲۰۰۶

به علی جوادی...

نخواهد شد. اما همانقدر که مرگ اجتناب ناپذیر است، عشق و امید نیز اجتناب ناپذیر است. و در آن عمق سیاه و تاریک یک لبخند، یک دست محبت آمیز و یا یک کلام پر عطوفت قادر است کورسویی از درون روزنه امید را به قعر سیاهی بتاباند.

علی عزیز، ما، همه دوستان، میگوییم در غمتان شریکیم. برآستی میخواهیم که در غمتان شریک باشیم. ولی چگونه میتوان در چنین غم عظیمی شریک شد؟ غمی که حتی وقتی هزاران نفر میخواهند با انسان سهیم شوند، فشار آن حتی ذره ای کاهش نمی یابد. مرگ عزیز سخت است، جانگداز است و فرزند عزیز ترین عزیزهاست. هیچ غمی جانگداز تر از آن دست دادن فرزند نیست. ای کاش واقعا میشد در غمتان سهیم میشدیم. ای کاش میشد بار غمتان را کاهش داد. ای کاش میشد چشمان را بست و به گذشته سفر کرد. ای کاش میشد تاریخ را متوقف کرد. ولی این منطق سخت و تلخ زندگی است. زندگی بدون مرگ امکان پذیر نیست.

علی عزیز، میدانم و میتوانم تصور کنم که مرگ فرزند با هیچ درد دیگری قابل قیاس نیست. میدانم و میتوانم تصور کنم که اکنون در چه لحظات گیجی و بهت و شوک بسر میبری. میدانم که دائم در حال کشیدن فریاد هایی بی صدا هستی. میدانم و میتوانم تصور کنم که این فریاد ها گلویت را درهم میفشرد و تا حد خفگی به پیشت میبرد ولی نه اشکی از چشمانت و نه صدایی از گلویت بیرون نمی آید. گویی روی ابرها حرکت میکنی. گویی در یک خواب سیر میکنی. لحظاتی هست که فکر میکنی پایانی بر این سیاهی و درد و فریاد درونی نیست. ولی اطمینان دارم که لحظاتی خواهد بود که به

طرح سازماندهی

حزب حول رهبری خود برخوردار باشند. در غیر اینصورت تعیین لیدر حزب میتواند به یکی از مشکل ترین وجوه سازمانیابی رهبری حزب بدل شود. انتخاب یک لیدر برای یک حزب متعارف و با ثبات در یک جامعه غربی، یک حزب برخوردار از سنتهای قوی کار حزبی با فراکسیونها و جناحهای شکل گرفته، روش مناسبی است. اما در یک حزب انقلابی خلاف جریان، یک وظیفه اساسی لیدر ایجاد و حفظ یک وحدت وسیع حزبی است. اینکه در هر دوره و تحت هر شرایطی فرد یا افرادی با این ظرفیت و اتریته حضور داشته باشند و آماده قبول این مسئولیت باشند را نمیتوان تضمین کرد.

نتیجتا، طرح حاضر بر دو تجدید نظر در شکل سازمانیابی کنونی بنا شده است.

۱- بجای فرد لیدر، یک مجمع، هیات و یا مجمع رهبری نشسته پیشنهاد میشود. هنوز یک فرد در راس این مجمع قرار دارد، اما اختیارات او در حد دبیر این جمع است و از حق وتوی ویژه ای برخوردار نیست.

۲- تقسیم اختیارات کمیته مرکزی میان لیدر و دفتر سیاسی منتفی میشود. همه اختیارات رهبری حزب در فاصله دو پلنوم به دفتر سیاسی منتقل میشود. رهبری نشسته (که در این طرح هیات دائمی دفتر سیاسی نام گذاشته شده است)، بخشی از خود دفتر سیاسی است که از طرف دفتر سیاسی برای رهبری سیاسی و هدایت عملی و سازماندهی حزب انتخاب میشود.

این طرح از نظر فرمال در خطوط کلی رجعتی است به شکل قدیمی سازماندهی رهبری حزب (دفتر سیاسی بعنوان رهبر حزب در فاصله دو پلنوم). اما چند تفاوت عملی و سبک کاری این طرح با روش قدیمی در حزب باید تاکید شود:

۱- وجود یک رهبری جمعی نشسته و متمرکز در یک جغرافیای واحد که بطور دائمی در راس حزب حضور دارد رکن اصلی این طرح است. حزب تاکنون از چنین تمرکزی در رهبری برخوردار نبوده است.

۲- این مجمع فقط رهبری اجرایی و مدیریت حزب را بر عهده ندارد، بلکه رهبری به معنی وسیع کلمه را بر عهده دارد. طراحی کلیه سیاستها، تاکتیکها، نقشه عملها، کمپین ها و غیره، تشریح آنها در داخل و خارج حزب، دفاع از آنها، پیاده کردن آنها، بسیج نیرو در حزب و طبقه و جامعه برای آنها، اساس فعالیت این جمع است. نوشتن و سخن گفتن در قلمروهای مختلف، از مسائل نظری تا امور سازماندهی، یک جزء اصلی و تفکیک ناپذیر کار این جمع و اعضای آن است. تبدیل این هیات به یک ارگان اجرایی و مدیر صرف، معادل محروم شدن حزب از رهبری به معنی واقعی کلمه است.

۳- اصل اعمال یک نظارت مستقل از طرف کمیته مرکزی بر رهبری نشسته حزب (نظارتی که در طرح پلنوم قبل از طرف دفتر سیاسی بر لیدر اعمال میشود) در این طرح با انتخاب یک دبیر کمیته مرکزی که عضو رهبری نشسته حزب نیست و مستقلا به پلنوم گزارش میدهد، تامین میشود.

و بالاخره، هر طرح تنها به اندازه خواست و توان مجریان آن موثر و مفید خواهد بود. یک اصل اساسی هر طرح برای سازماندهی رهبری حزب، وجود کسانی است که آماده باشند در اشل یک رهبری سیاسی و حزبی به معنی درست و کامل کلمه ظاهر شوند. اینجا نیز، آمادگی کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و بویژه اعضای هیات دائمی دفتر سیاسی برای انجام وظیفه ای که بر عهده میگیرند، شرط موفقیت این طرح است.

ساختار و ارگانهای رهبری حزب:

۱- کنگره حزب کمیته مرکزی را انتخاب میکند.

۲- کمیته مرکزی یک ارگان پلنومی است. در فاصله دو پلنوم دفتر سیاسی منتخب پلنوم رهبری حزب را بر عهده دارد.

۳- دفتر سیاسی برای تامین رهبری دائمی و نشسته حزب، از میان خود "هیات دائمی دفتر سیاسی" و "رئیس دفتر سیاسی" را انتخاب میکند.

۴- هیات دائمی دفتر سیاسی رهبری نشسته سیاسی و تشکیلاتی حزب است. رئیس دفتر سیاسی در راس هیات دائمی قرار دارد و جلسات هیات دائمی بریاست رئیس دفتر سیاسی برگزار میشود. تصمیمات هیات با اکثریت نسبی آراء گرفته میشود.

۵- رئیس دفتر سیاسی در هیات دائمی اختیاراتی مشابه دبیر یک جمع دارد. در تصمیمات مانند سایر اعضای هیات دائمی یک رای دارد.

۶- هیات دائمی دفتر سیاسی یک مجمع دایر و متمرکز در یک کشور واحد است.

۷- طرح و سازماندهی مدیریت اجرایی حزب (ایجاد هیات دبیران، کمیته اجرایی، دفتر مرکزی و غیره) جزو اختیارات هیات دائمی است.

۸- پلنوم کمیته مرکزی همچنین یک نفر را بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب میکند. دبیر کمیته مرکزی نباید عضو دفتر سیاسی باشد. دبیر کمیته مرکزی یک مرجع اجرایی و یا سیاستگذار و رهبری کننده نیست. نقش اصلی دبیر کمیته مرکزی اعمال نظارت مستقل از طرف کمیته مرکزی بر فعالیت دفتر سیاسی و رهبری حزب و ارائه یک گزارش جداگانه به پلنوم است. فراخواندن و سازماندهی پلنومهای کمیته مرکزی با دبیر کمیته مرکزی است.

۹- پلنوم کمیته مرکزی حداکثر شش ماه یکبار و نشست دفتر سیاسی دوماه یکبار برگزار میشود.

۱۰- ضوابط اجرایی و جزئیات دقیق تر این طرح توسط دفتر سیاسی تدوین و تصویب میشود.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

را بخوانید!

پاسخ به دو سوال،

از چه کسی میخواید عملی کند؟ دولتها؟

تحریمها به تحریم کالاهای مورد نیاز مردم و چه استفاده رژیم از این فرصت برای اعمال فشار اقتصادی به مردم. اما این مسئله پاسخ خود را دارد و چون رژیم اسلامی و سرمایه داران مفت خور از هر فرصتی برای چاپیدن مردم استفاده میکنند، شما را مجاب نمیکند که تحریم کالاهای نظامی به رژیم اسلامی را محکوم کنید. و بالاخره اینکه ما ننگتیم مخالفت با تحریم موافقت با احمدی نژاد است. من گفتم محکوم کردن تحریم کالاهای نظامی به رژیم اسلامی یک سیاست پُررو جمهوری اسلامی است، نه طرفداری گوینده اش از احمدی نژاد. دنیای سیاست پیچیده تر از این دو قطبی های خشک و استنتاجات خشک سیاسی است که محکوم نکردن این قطعنامه را به دفاع از سیاست آمریکا و یا محکوم کردن آنرا به دفاع از احمدی نژاد تنزل داد. این دعوا دو جبهه بوش-احمدی نژاد ندارد. همانطور که دعوی سیاسی در ایران صحنه تعارض خامنه ای- خاتمی نیست. این جدال سه جبهه دارد و ما از موضع جبهه سوم، جبهه مستقل طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه و از موضع کسانی که در این جدال میخوانند اوضاع را به سمت دیگری ببرند حرف میزنیم و عمل میکنیم. اگر قرار باشد کار ما انتخاب و موضعگیری در میان دو قطب تروریسم دولتی و اسلامی باشد و تنها خطرات و لطمات اینها را مانند واعظین و مصلحین اجتماعی گوشزد کنیم، نیاز به حزب سیاسی و مبارزه کمونیستی نیست. میشود گوشه ای نشست و حداکثر حرفی زد. اما هدف و مسئله اصلی بهم زدن این اوضاع به نفع کارگران و بشریت متمدن و عقب راندن نیروهای ارتجاع سیاسی است. ما با تحریم مخالفیم، با تسلیح رژیم اسلامی و هر نوع مماشات با اسلام سیاسی هم مخالفیم. ما آینده سومی را جستجو میکنیم و موضع ما کاملاً آزادیخواهانه و کمونیستی است.

آقای دانشور سلام. شما میگویند باید سفارتخانه های رژیم را بست. جمهوری اسلامی را از لحاظ سیاسی و دیپلماتیک منزوی کرد. چه کسی اینکار را باید بکند؟ شما سیاستدانان را

ما اهل عریضه نویسی به دولتها نیستیم و قرار نیست دولتهایی که در سرکار آوردن و سرپا نگهداشتن جمهوری اسلامی شریک بودند، گوشه ای از اهداف ما را متحقق کنند. ما سیاست روشنی داریم. میگوئیم این رژیم را بعنوان "دولت ایران" برسمیت نشناسید. روزمره از جنایات و تعدی هایش برای مردم افشاگری میکنیم. اگر همین سیاستهای ما نبود این دولتها دسته جمعی و با فراغ بال به دفاع از خاتمی میپرداختند. اگر ما و امثال ما نبودیم کارگران شرکت واحد و صدها سازمان کارگری و میلیونها نفر از جمله برخی دولتها از کارگران ایران حمایت نمیکردند. اگر ما نبودیم امروز نازنین و افسانه اعدام شده بودند. مبارزه ما و فشار سیاسی ما و بسیج افکار عمومی دولتها را هم ناچار به عقب نشینی میکند. جدال اجتماعی نهایتاً برسر زور و قدرت است. اگر زورتان برسد هم میتوانی قانون را به نفع مردم عوض کنید و هم سیاست دولتها را با موانع جدی روبرو کنید. مردم ضد آپارتاید هم مبارزه شان را به تمایل دولتها گره نزدند. تلاش کردند، بسیج کردند، نیرو بمیدان کشیدند و رژیم آپارتاید نژادی را در سطح جهانی ایزوله کردند. چرا نمیتوان همین اقدام را علیه جمهوری اسلامی کرد؟ چرا نباید قربانیان رژیم اسلامی و ایرانیان خارج کشور نتوانند در دنیا چهره مدرنیستی و سکولاریستی و برابری طلب خود را نشان دهند و رژیم اسلامی را نه "نماینده" مردم بلکه رژیمی معرفی کنند که با اتکا به سرکوب و شلاق و اعدام سرپا مانده است. اگر قبول میکنید که جمهوری اسلامی دولت مشروع جامعه ایران نیست، رژیمی ضد مردم و ضد جامعه و قاتل جمع کثیری از مخالفین خود است، اگر میپذیرید که سران و کاربدستان این رژیم باید روزی در دادگاههای مردمی و عادلانه برای اعمالشان پاسخگو باشند، آنوقت اولین کار ما باید منزوی کردنش در نهادهای جهانی، بیرون انداختن نمایندگانش در سازمانهای بین المللی، بستن سفارتهاش به عنوان مراکز جاسوسی و تروریستی، و در یک کلام آفریقای جنوبیزه کردن آن است.

سند مصوب و پیشنهادی فراکسیون به دفتر سیاسی حزب در باره؛

شرایط، وظایف و حقوق فراکسیون در حزب کمونیست کارگری "اصول کلی"

- ۱- ایجاد فراکسیون در حزب کمونیست کارگری بلامانع است.
- ۲- هیچ بخش و یا مفادی از پلاتفرم فراکسیون نمیتواند با اهداف اجتماعی، برنامه ای و اصول سازمانی حزب در تناقض باشد.
- ۳- چنانچه دو سوم اعضای کمیته مرکزی مفادی از پلاتفرم فراکسیون را مغایر با مبانی برنامه ای و یا اصول سازمانی حزب تشخیص دهند، فراکسیون فاقد اعتبار رسمی و حقوقی در حزب خواهد بود.
- ۴- موازین کار در حزب که در اصول سازمانی قید شده است، ناظر بر فعالیت اعضای فراکسیون است.
- ۵- فعالیت فراکسیون، چگونگی کار، سازمان درونی و چهارچوب فعالیت آن باید برای ارگانهای رهبری حزب روشن و قابل بازرسی باشد. در فاصله دو پلنوم دفتر سیاسی ارگان نظارت بر فعالیت فراکسیون در چهارچوب موازین نظارت بر ارگانهای حزبی است.
- ۶- پلنوم کمیته مرکزی رسمیت حقوقی فراکسیون را تصویب میکند. پلنوم کمیته مرکزی ارگان حکمیت و بررسی و نظارت بر کار و فعالیت فراکسیون است. فراکسیون به پلنوم گزارش میدهد.
- ۷- امکان دسترسی به تشکیلات حق فراکسیون است. جلسات و فعالیتهای فراکسیون در تشکیلات در هماهنگی با کمیته های حزبی پیش میرود.
- ۸- فراکسیون های رسمی حزب میتوانند از امکانات تبلیغاتی و انتشاراتی حزب برای تبلیغ نظرات خود استفاده کنند. موازین این امر را ارگانهای رهبری حزب تعریف و تضمین میکند.

آگهی

انجمن مارکس برگزار میکند!

- ۱- توضیح تفصیلی مبانی پلاتفرم "اتحاد کمونیسم کارگری"!
- ۲- از "حزب مبلغ - مروج" به "حزب سازمانده - رهبر": مبانی و ملزومات یک انتقال سیاسی!
- ۳- زمینه های شکل گیری فراکسیون "اتحاد کمونیسم کارگری"!
- ۴- گزارش به جامعه: بررسی کیس نوید بشارت!
- ۵- اتحاد صفوف کمونیسم کارگری در گرو چیست؟
- ۶- جدال بر سر "حزبیت" در حزب کمونیست کارگری!
- ۷- جدال خطوط سیاسی در حزب کمونیسم کارگری پس از منصور حکمت (بخش اول): پیش از انشعاب! (بخش دوم): پس از انشعاب!
- ۸- برای سرنگونی رژیم اسلامی و پیروزی کمونیسم کارگری چه باید کرد؟
- ۹- مارکسیسم انقلابی، کمونیسم کارگری، حکمتیسم: تفاوتها و تشابهات!
- ۱۰- "بازگشت به گذشته": نقدی بر نقطه نظرات و مواضع چپ رادیکال در حزب!

زمان و مکان این سمینارها متعاقباً اعلام میشود! علی جوادی (مدیر مسئول)

با نشریه برای یک دنیای بهتر همکاری کنید. اخبار و گزارشات و نظراتتان را برای ما بفرستید. پخش نشریه و رساندن آن به دست دوستانتان را فراموش نکنید. با نشریه مکاتبه کنید.

siavash_@yahoo.com Tel. +46 707 65 63 62

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم به یک منجلاب تبدیل میشود! منصور حکمت

یادداشت هفته

سیاوش دانشور



گسترش جدال تروریستها در عراق

هفته اخیر ریتم جدلهای دیپلماتیک و صنفیدیهایی سیاسی در مورد مسائل خاورمیانه تند تر شد. برخی ناظران سیاسی افزایش نیروهای نظامی آمریکا در عراق و گسترش حضور ناوگانهای آمریکا در منطقه را نوعی آمادگی برای مقابله نظامی با رژیم اسلامی ارزیابی میکنند. در این میان بازار شایعات، و به عبارتی دقیقت، جنگ روانی نیز گرم است. روزنامه ها از قول "منابع مطلع و موثق" خبر طرح حمله اسرائیل و یا آمریکا و اسرائیل به تاسیسات اتمی و پایگاههای نظامی رژیم اسلامی را منتشر میکنند. اخبار مذاکرات و توافقاتی در زمینه مسائل دو جانبه و چند جانبه در منطقه پخش میشود و همزمان تکذیب رسمی دولتها و در عین حال تائید غیر رسمی مذاکرات و توافقات معین هم در جریان است. چه اتفاقی در کمین است و این اخبار و مواضع ضد و نقیض در خدمت کدام روندها عمل میکنند؟ دولت آمریکا چه سیاستی را دنبال میکند؟ آیا بحران و جنگ دیگری دارد حدادی میشود؟

تردید نیست که خطر شعله ور شدن یک جنگ دیگر در خاورمیانه با توجه به وضعیت بحرانی و ظرفیتهای مخرب و ضد بشری اکثر راههای سیاسی در منطقه هنوز کاملا منتهی نشده است. اما در عراق فی الحال جنگی در جریان است و از جانب آمریکا قرار است این جنگ ابعاد خونین تری بگیرد. دولت آمریکا میخواهد جمهوری اسلامی را در عراق و منطقه سر جای خود بنشاند. برای بوش و شرکا اگر طرحی و بحثی در جریان است، نه حمله مستقیم نظامی به ایران بلکه تامین کنترل نسبی بر عراق است. هدف آمریکا تقویت جبهه مخالف رژیم اسلامی در عراق و منطقه و تغییر توازن قوا به ضرر جمهوری اسلامی است. آمریکا میخواهد همراه با اعمال فشار جهانی در زمینه پرونده هسته ای و احتمالا گسترش تحریم های اقتصادی، در عراق و لبنان و فلسطین رژیم اسلامی و جریانات وابسته به آن را منزوی کند. اعدام صدام با واکنشهای منفی دولتهای جهان عرب روبرو شد و همزمان جار و جنجال جدید "خطر ایران در منطقه" بالا گرفت. آمریکا تلاش میکند با حمایت دولتهای عربی در عراق بقایای ناسیونالیسم عرب و نیروهای منتسب به "سنی" را در کنار

بخشهای مختلف راست حکومتی علیه دولت احمدی نژاد، حاکی از شکلگیری تحولاتی در درون رژیم اسلامی است. شاید مترسک احمدی نژاد زودتر از پیش بینی های قبلی ما کنار زده شود و چرخش در سیاست رژیم در مورد پرونده هسته ای و سیاست منطقه ای با قربانی کردن او در دستور قرار گیرد. تا به جنبش سرنگونی و منافع مردم برمیگردد، گسترش اعتراض برای نخواستن جمهوری اسلامی و هوشیاری در مقابل نمایشات جدید رژیم اسلامی از نان شب واجبتر است. مشکل مردم نخواستن احمدی نژاد و هلهله برای جناب خاتمی و رفسنجانی نیست، مشکل مردم کل جمهوری اسلامی و باندهای متشکله و تروریست آنست که هر کدام در دوره ای و دسته جمعی باعث نابودی و فلاکت اکثریت جامعه شدند. این سیاستها تنها هدفش ایجاد انتظار و خریدن وقت برای رژیم است. جنگ و تقابل آمریکا و جمهوری اسلامی و یا سازش و توافق آنها، چیزی نصیب مردم نمیکند. برعکس در هر دو حالت اسارت و فلاکت مردم ابقا میشود. راه حلی جز سرنگونی و به میدان آمدن گسترده طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری با هدف درهم ریختن کل این بازیها وجود ندارد.

پاسخ به دو سوال

سامان یک خواننده نشریه سوال کرده اند که شما بالاخره موافق تحریم اقتصادی هستید یا مخالف؟ تحریم است و دوش به چشم مردم می رود. چرا مخالفت با تحریم موافقت با احمدی نژاد است؟

ما مخالف سرسخت تحریم اقتصادی هستیم و از آن بعنوان سلاح کشتار جمعی نام میبریم. ما مخالف تحریم اقتصادی و یا تحریم کالاهای مورد نیاز مردم هستیم. اما ما مخالف فروش سلاح و وسائل نظامی و تکنولوژی جاسوسی و اطلاعاتی به جمهوری اسلامی نیز هستیم. متوجه نیستیم این "بالاخره" از کجا می آید؟ آیا باید یک مخالف تحریم اقتصادی با هر نوع اعمال محدودیت در فروش تسلیحات به دشمن خودش هم مخالف باشد؟ آیا شما موافق تجهیز نظامی و اطلاعاتی رژیم علیه مردم هستید؟ فکر نمیکنم موافقان این نظریه که تحریم تحریم است صریحا بتوانند از بالا بردن ظرفیتهای آدمکشی جمهوری اسلامی تحت عنوان مقابله با تحریم دفاع کنند. برعکس، با

سکوت و بی اهمیت بودن مسئله از کنار آن رد میشوند. خیر، هر تحریمی تحریم اقتصادی نیست. چرا باید کمونیستها زیر پوشش لطمات تحریم اقتصادی برای مردم، که امری واقعی و موضعی انسانی است، از تسلیح جنبش اسلامی به انواع سلاحها و یا معامله سران سپاه پاسداران با شرکتهای تسلیحاتی دفاع کنند؟ اینها چه ربطی به منافع مردم دارد و چه ربطی به نتایج ناگوار تحریم بر زندگی مردم دارد؟ واضح است که هر سیاست و هر لحظه وجود رژیم اسلامی دوش به چشم مردم میبرد، اما چرا باید در جدال دو جریان تروریستی که هدف یکی بسط سلطه و قدری نظامی و تامین منافع اقتصادی خود در جهان است و یکی دنبال سهم خود بعنوان قدرت فائده منطه میگردد، از موضع مخالفت با آمریکا و "شیطان بزرگ" به موضع سکوت در مقابل جمهوری اسلامی افتاد؟ این موضع شاید بدر یک ضد آمریکائی مائونیست یا تروتسکیست بخورد اما موضع کمونیسم کارگری نمیتواند باشد. ما اهداف و سیاستهای نظم نوینی و میلناریستی دولت آمریکا و مونتلیفینش را میشناسیم و این اهداف را تفصیلا طی قطعنامه ها و مقالاتی توضیح داده ایم و خطوط مقابله با آن را نیز تعریف کرده ایم. در عین حال آمریکا با اشباح نمینجنگ، میدان دار دیگر این جدال تروریستی اسلام سیاسی است. جمهوری اسلامی یک مرکز مهم این جدال و منشا ترور و سازماندهی جنایت در ایران و منطقه است. و ما اداره ثبت خطاها و حقوق بین الملل نیستیم، حزب سیاسی هستیم و یک نیروی درگیر با هر دو طرف این جدال تروریستی. اهداف و منافع ما و مردم را هیچکدام از این کمپ ها نمایندگی نمیکند. ما هم علیه اهداف و سیاستهای آمریکا هستیم و هم علیه اهداف و سیاستهای جمهوری اسلامی. قرار نیست در مقابل ارتجاع نظم نوینی به موضع "انتهی امپریالیسم" ماهیتا راست و دفاع از کثیف ترین و جنایتکارترین رژیم مانند جمهوری اسلامی بیافتیم و یا در قبال آن در این بحث معین موضع مشخص و روشنی نداشته باشیم.

یک بحث معتبر این میتواند باشد که این تحریم کالاهای نظامی میتواند گسترش یابد و یا نفس همین تحریم به گرانی و اعمال فشار به مردم تجربه میشود. این حقیقتی است که من در همان مطلب به آن اشاره کردم. چه خطر بسط این ... بقیه در صفحه ۳